۱۲۶

سلسله درسهای عرفانی

هُوَ ۱۲۱

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم هست کلید در گنج حکیم

خواندن قرآن به چند جهت برای ما لازم است. قرآن تنها کتابی از کتب دینی است که مستقیم از ناحیه‌ی خداوند نازل شده. *تورات* و *انجیلی* که امروز هست، کلمات خداوند، دستورات خداوند است ولی غالباً به‌صورت بیانِ حضرت موسی یا بیانات حضرت عیسی علیهما السلام است. به‌هرجهت آنها هم برای ما کتب مقدّسی است، همانطوری که جمع‌آوری‌شان به‌نام کتاب مقدّس شده ولی قرآن با قرائت و آن نظمی که در قرائتش هست، که از این حیث در تفاسیر، مرحوم طالقانی فقط توجّه به این ریتم کرده است که خود این ریتم هم در تأثیرگذاری مطالب خیلی مؤثّر بوده و خیلی حرف‌ها را، معارف الهی را دیگران شنیده بودند ولی وقتی از زبان پیغمبر و به‌عنوان قرآن و با آن ریتمی که خوانده می‌شود، گفته می‌شود، اثرش خیلی بیشتر است و همه جا اثر کرده است.

قرآن هم تمام، کلام خداوند است و آنچه که خداوند به پیغمبر بزرگوارش دستور فرمود. پیغمبر هم به‌هیچ‌وجه ابایی از اینکه حتّی غضب خداوند را نشان بدهد، نداشته است.

وَما هُوَ عَلَى الْغَيبِ بِضَنينٍ (سوره تکویر، آیه ۲۴) در آنچه که از غیب هم می‌فهمیده، پیغمبر سخت‌گیر نبوده و می‌فرموده است وَما هُوَ عَلَى الْغَيبِ بِضَنينٍ حتّی بسیاری جاها که تقریباً خداوند از پیغمبرش بازخواست کرده است، البتّه بازخواستی که خدا از پیغمبرش می‌کند، حبیب و محبوب، اینها جنبه‌ی دیگری دارد ولی برای ما همان جنبه‌ی تقدّسِ تمام کلمات پیغمبر را دارد. عَبَسَ وَ تَوَلَّى أَنْ جاءَهُ الْأَعْمى (سوره عبس، آیات ۲-۱) خداوند به‌صورت قصّه‌وار می‌گوید. رو ترش کرد و یک قدری اخم کرد وقتی که آن کور به نزدش آمد. این یک بازخواستی است، یک روابط بین خودِ خداوند و بنده است. ممکن بود این آیات گفته نشود ولی پیغمبر تمام این آیه را گفته است.

یا آیه‌ی إِنْ هُوَ إِلّا وَحْىٌ يُوحى (سوره نجم، آیه ۴) بعد می‌فرماید که وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَينا بَعْضَ الْأَقاويلِ لَأَخَذْنا مِنْهُ بِالْيمينِ ثُمَّ لَقَطَعْنا مِنْهُ الْوَتينَ (سوره حاقه، آیات ۴۶-۴۴) یعنی اگر خدای ناکرده غیر از ما حرفی بگوید محکم با دست راست می‌گیریم. بِالْيمينِ یعنی منظور با

دست راست که خیلی محکم است و رگ گردنش را می‌زنیم یعنی خواسته است به ما بفهماند، از این گذشته تمام کلماتش، کلمات خداست. حتّی بسیاری جاها که لزومی نداشته ولی عین کلمه‌ی خداوند را به‌کار برده است.

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (سوره ناس، آیه ۱) یا قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (سوره فلق، آیه ۱) خدا می‌گوید بگو: أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ، بگو: أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ممکن است «بگو» حذف بشود، جزء مطلب نیست، أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ، أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ولی قرآنِ ما طوری است که همین قرآن، قُلْ را هم در قرآن، در گفتار آورده است برای اینکه عین عبارت خدا باشد. خداوند درست است که به پیغمبر فرموده قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ از لحاظ دقّتِ در معنا قُلْ اگر نباشد، مانعی ندارد مطلب، آن است ولی قُلْ اگر نباشد کلام خدا کامل نیست، در کلام خدا قُلْ هست. به‌این‌جهت کتاب قرآن کتابی است خیلی مقدّس و تمام جهان هم به آن توجّه دارند بطوری که به ششصد، هفتصد زبان خارجی ترجمه شده، گفته شده است.

مطلب دیگر این است که تمام احکامی که خداوند داشته است، در خود همین قرآن ذکر فرموده. ما وقتی می‌خوانیم، آن حکم را هم می‌خوانیم و می‌فهمیم چه باید بکنیم و تکرارش که می‌کنیم، در ما ملکه می‌شود.

در خود قرآن هم، قرائتِ قرآن نه تنها دستور است: فَاقْرَؤُا ما تَيَسَّرَ مِنْهُ (سوره مزمل، آیه ۲۰) بخوانید، قرائت کنید، به هر اندازه، آن اندازه‌ای که توان دارید از این قرآن بخوانید. بنابراین خود خواندن قرآن یک عبادت است. اگر با ریتمش بخوانند، جنبه‌ی معنویِ بیشتری دارد و اگر به عنوان احکام بخواهند نگاه کنند، تمام احکام ما از این پیدا می‌شود. البتّه به استثناء جزئیّاتی که بعداً آمده والّا اصلِ احکام، تمام در قرآن هست. مثلاً در مورد وضو می‌فرماید: فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيدِيكُمْ إِلَى الْمَرافِقِ (سوره مائده، آیه ۶) دستتان را بشویید تا مرافق. البتّه اینجا در جزئیات اختلاف می‌شود. یکی می‌گوید که باید از پایین رو به بالا، یکی می‌گوید از بالا ولی ما می‌گوییم آنچه که ائمّه‌ی ما یعنی جانشینان پیغمبر بگویند، همان ملاک عمل است که نمونه‌های زیادی است.

حالا ان‌شاءالله خداوند به حقّ همین قرآن و بِحَقِّ مَنْ اَنْزَلْتَهُ اِلَيْكَ، ما را در همه حال راهنمایی کند. ان‌شاءالله خداوند ماها را نگه‌دارد، از بلایای گناه ما را محفوظ بدارد. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، عصر جمعه، تاریخ ۱۳۹۴/۴/۲۶، جلسه برادران ایمانی)

*****

باز هم یک ماه رمضانی را گذراندیم و زنده‌ایم و عید هم گرفتیم. ان‌شاءالله اعیاد

بعدی را در بیدخت خواهیم گرفت، خیلی متشکّر، فقرای بیدخت خوش آمدید.

اینجا تهران، هم من، هم شما مسافریم، البتّه در دنیا همه‌مان مسافریم ولی این مسأله‌ی جداگانه است، جداگانه ما اینجا مسافر تلقّی می‌شویم، البتّه مسافری که نماز کامل می‌خواند، نماز شکسته نمی‌خواند. الحمدلله بیدخت هم روز به روز بزرگتر و بهتر می‌شود و هر جا وقتی می‌گوییم «بیدخت» نه اینکه آن گرد و خاکی که دارد (برای همان هم دلم تنگ شده) نه تنها آن است بلکه شماها هستید، ماها هستیم. وقتی می‌گویند بیدختی‌ها آدم‌های خوبی هستند، تعریف من را هم کردند دیگر. من هم بیدختی هستم.

زمان مرحوم آقای نورعلیشاه هنوز این بالاهای بیدخت ساخته نشده بود، بیدخت همان بیدختِ پایین بود، ایشان ایستاده بودند گفتند که این بیدخت وصل می‌شود به دلویی و خیبری و بیلند و آنجاها کم‌کم ان‌شاءالله دارد می‌شود. خیلی هم در این مدّت از همه‌ی فقرا واقعاً محبّت کردند و همه‌ی آنها واقعاً مثل صاحبخانه که من را مهمان کردند، از همه‌مان پذیرایی می‌کردند و یک انس و محبّتی بین همه‌مان ایجاد شد. البتّه به زور به کسی نمی‌توان گفت که با فلان‌کس خوب باش... ولی عملاً زور موجب شده که ماها همه یکنواختیم. حالا همه‌ی شما بیدختی‌ها یعنی آنهایی که حالا بیدخت نیستند ولی از بیدخت می‌آیند، بیشتر مورد محبّت و مهرِ تهران یا مشهد یا هر جا هستند و همینطور شما هم با اشتیاق بیشتری می‌آیید به تهران یا هر مسافرتی. ناراحت نباشید، دعا کنید ان‌شاءالله خداوند به زودی مصلحت بداند که همه‌مان دوباره در همین بیدخت جمع بشویم.

با هم مهربان باشید. حالا این تجربیاتی که من در این مدّت گرفتم، اینها را به شما می‌گویم یعنی اینها تجربیاتی است که همه می‌توانند بگیرند، یکی اینکه با هم مهربان باشید. بیدخت باید ان‌شاءالله یک‌طوری باشد که اگر کسی در گوشه‌ی صالح‌آباد پایش درد می‌کند، (آن گوشه‌ی بیدخت را آنوقت‌ها می‌گفتند: کوچه‌ی دِرّو. نمی‌دانم حالا هم همین را می‌گویند؟ همانجا آخرش است؟) تا آن تهِ کوچه‌ی دِرّو همه خبر شوند. همه خبر بشوند و به‌اصطلاح کمک کنند، این یک سفارش است.

سفارش دیگر اینکه هیچکس هیچ بالا و پستی ندارد، اینکه در مملکت، هر مملکتی، نه ایران، هر مملکتی به اولیای امور مثلاً به وزیرش، معاونش اینها می‌گویند خیلی آدم مهمی است، احترامات می‌کنند. البتّه احترامات و اطاعت از قوانینِ دولت، لازم است امّا همه برادریم. بزرگی و شرف را خداوند در اختیار همه‌ی ماها گذاشته و همه‌ی ما دارای همان بزرگی و شرف هستیم. به هم فخر نکنیم، همه برادریم، مثل هم هستیم. یک برادری فرض کنید من هستم که زیاد نمی‌توانم بدو بدو کنم، بپرم بالا، بپرم پایین. یک وظیفه‌ای

دارم. وظیفه‌ی متناسب با این. آن یکی که جوان‌تر است و می‌تواند، بیل دستش می‌گیرد زمین را شخم می‌کند که از آن زمین، گندم و همه چیزها درمی‌آورد و ماها مصرف می‌کنیم، ماها بخوریم. همه‌مان یکی هستیم و ان‌شاءالله موفق باشید. دعای من همیشه با شما هست، دعای شما هم ان‌شاءالله همیشه با من هست، متشکّرم.

هر کاری، هر شغلی، هر چیزی یک نمونه دارد. مثلاً کسی که زراعت‌کار است، نمونه‌اش پاچه‌ها بالازده و یک بیل و یک کلنگ ولی کسی که جنگی است مجسّمه‌اش را می‌بینید. البتّه این هم هست که حالا همه جنگی شدند، خروس جنگی ولی شما سعی کنید بین خودتان خروس جنگی نباشید. هر وقت در هر جای مملکت، در هر جای دنیا رفیق شما درویش است، بیدختی است، اذیّت کردند مشت نشان بدهید. سایر اوقات آرام، راحت بنشینید گوشه‌ای زندگی کنید. بعد هم حالا که به تهران آمده‌اید، نگاه کنید این دود و دم که من بعضی شب‌ها اصلاً نمی‌توانم نفس بکشم، حالا من برای اینکه یک کمی سِنّم از شما بیشتر است، شماها جوان‌تر از من هستید، هوای سنگین را احساس می‌کنم، درک می‌کنم. شما هوای لطیف، باغِ زراعت، همه‌ی اینها را در دسترس دارید. زندگی هم همین‌ها است با همان‌ها هم بهتر می‌توان به یاد خدا بود. الان در تهران، زندگی‌مان الحمدلله نقصی ندارد ولی معذلک دلم می‌خواهد که همیشه در بیدخت باشم. همین گرد و خاکی که می‌گویند ریزگردها، نمی‌دانم از این چیزها هست. برای اینکه در هوای صاف، مثل اینکه آدم به خدا نزدیک‌تر است. به‌هرجهت خیلی ممنون و خوش‌بخت باشید. عید شما هم مبارک. شما برای اینکه روز عید نرسیدید، بیایید در اینجا عیدی که به تهرانی‌ها دادم، به شما هم عیدی بدهم. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، یک‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۴/۲۸)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت‌وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید.